مجلهٔ فکاهی

مهر ماه

شماره ۲۳

ملانصرالدین





مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



سر و ته مقاله

ای اسرائیل بی‌ناموس



من نمی‌فهمم! ده نمی‌فهمم! واسه چی کسی جلوی این پسرهٔ تن لش رو نمی‌گیره؟

ده آخه تو که همین ماه پیش بود، دختر مردمو سیاه بخت کردی، واسه چی بازم یکی دیگه رو خر کردی بردی ور خودت؟

بازم رفتم دم مغازهٔ اصغر آقا لبنیاتی سر گذر، دیدم تلویزیونش داره خبر می‌خونه. گفتم باز چی شده اصغر آقا!؟

بهم گفت: این پسر لاشیه بود که ماه پیش این دختره امارات رو بلند کرد..!؟

بشش گفتم: ها..؟ ها! ها! یادم اومد... اسمش عزرائیل بود؟

گفت: نه... اسرائیل!

گفتم: خب! خب!

بشم گفت: بازم اون پسرهٔ تن لش، مخ یکی دیگه را زده که من خوش بختت می‌کونم و از این حرف‌ها...

حرص گرفت. گفتم ای دخترهٔ خر!

بشم گفت: این یکی اسمش بحرینه!

از اصغر آقا پرسیدم که چرا این شبکهٔ خبر اینقذه خاله زنکی شده‌اس؟ گفت: نمی‌دونم والله! شاید می‌خوان چشم و گوش دخترای مردوم را باز کونن تا گول این پسرای از خدا بی‌خبر را نخورن...

والله اگه این باشه که خیلی هم خبس!

تا سردبیر گفت: احمدآقا سرمقالهٔ این هفته را بنویس، گفتم: می‌رم سر همین موضوع تا به دخترا بگم: "آخه دختر هم اینقذه خر!؟ آخر دختر هم اینقذه بز!؟

آخه این پسرهٔ تن لش اگه تنبون داشت واسه چی تن تو بکونه و خودش بی‌تنبون بگرده؟

آخه دوختر! اگه سر و گوشت می‌جنبه، اقلا با یه پسری از محلهٔ خودت بگرد تا فردا پس فردا باهاش سفید بخت شی؟ نه این پسرهٔ زن باز تن لش که خرج جیبش رو هم داره باباش بش می‌ده.

گفتس سفید بختت می‌کونم؟ کی؟ این نیم وجبی؟ اون هم از چهار محله اون ورتر!؟ ببین کی بشت گفتم: این آخرش تقت رو می‌زنه و تو این محل ولت می‌کنه تا بی‌آبرو بگردی.

ای خاک عالم تو اون سرت و اون ننهٔ سلیطه‌ات که خیال می‌کنه این بچه ننه می‌تونه دخترت را سفید بخت کنه... ای خاک عالم بر سر من اگه دوباره خبر ببینم! ای خاک عالم بر سر کچل اون اصغر آقای بی همه چیز که هر وقت می‌رم مغازه‌اش، گذاشته رو خبر تا من حرص بخورم!

ای خاک بر سر تو که داری مطلب منو می‌خونی... ای خاک بر سر اون سر دبیر که به من می‌گه احمد آقا، قاطی پاتی نکن!
آخه چطوری!

همتون برین رد کارتون!
دهه..!

تلاش برای ترور سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی، سفارش پیرزن‌های ایرانی است

طبق اسناد محرمانهٔ اف بی آی که اخیرا دربارهٔ برنامهٔ ایران برای ترور لانا مارکس منتشر شد، عاملان پشت پردهٔ این سوءقصد تعدادی پیرزن حسود ایرانی بوده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، عده‌ای از پیرزنان ایرانی با تشکیل گروهی مسلح با نام «پیرپلنگان ایرانی» اقدام به ربودن یا تصفیهٔ پیرزن‌های خوشگل و پولدار خارجی می‌کنند و همین گروه مسلح، مسئولیت تلاش برای ترور مارکس را برعهده گرفته است.



این گروه با صدور بیانیه‌ای خطاب به سفیر آمریکا گفت: "بلابرده! تیپ می‌زنی! جیگر می‌شی... دل می‌سوزونی و دل می‌بری. خیال می‌کنی ما هم ساکت می‌شنیم و همین جور حرص می‌خوریم، از این خبرها نیست."

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: "همهٔ پیرزن‌های جیگر بدانند که سیبل حملات ما هستند. آخه زنیکه هفتاد ساله، خجالت بکش! بشین نماز و دعات رو بخون. یه پات لب گوره..! به هر حال، حواستون باشه: پیرزن خوشگل کنه، سر و کارش با ماست."

سال آینده کنکور لغو خواهد شد

طبق مصوبهٔ اخیر، از سال آینده امتحانات کنکور لغو خواهد شد و در عوض، دانش‌آموزان با توجه به سطح رفاه خانواده به دانشگاه راه خواهند یافت.



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، طبق مصوبهٔ یک شورای عالی که نخواست نامش فاش شود، از این پس، دانش‌آموزان واجد شرایط برای امتحانات ورودی دانشگاه، باید شمارهٔ حساب والدین و ریز دارایی آن‌ها را به جای برگهٔ امتحانی پر کنند و سپس، رایانه (رایانه، نه یارانه!) اقدام به تعیین و تخصیص سهمیه‌های دانشگاهی، براساس سطح درآمد والدین خواهند کرد.

این مصوبه، به منظور کاهش مشکلات مؤسسات کنکوری که بی‌چاره‌ها مردند، بس که پول گرفتند، صادر شده است.

انتقال پایتخت قطعی شد؛ پایتخت از اصفهان به تهران منتقل می‌شود!

در پی مذاکرات گسترده میان دولت و مجلس، مقرر شد پایتخت حتما منتقل شود. اگر هم منتقل نشد، حداقل انتقال پیدا کند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، به نقل از یکی از مسئولان که اسمش را گفت، اما نامش را نگفت (حتی اگر گفته باشد، کی دنبال نام این‌هاست، آخه!) طبق آخرین تصمیمات مقرر شد که پایتخت، یا منتقل شود و یا حتما انتقال پیدا کند.

این مسئول تاکید کرد: "در پی احساس ضرورت انتقال پایتخت، تصمیم بر آن شد که حتما پایتخت منتقل نشد. یعنی حتما ها! ردخور نداره."

او قصد داشت دربارهٔ ضرورت انتقال پایتخت و خطرات موجود مثل زلزله و آلودگی و جمعیت فزاینده

و ضرورت‌های دیگر صحبت کند که خبرنگار ما به او گوشزد کرد: "خفه شو بابا! اینقده گفتین که حالا همه را فوت آبیم. فقط بگو: پایتخت بعدی کجاست؟"



مسئول پاسخ داد: "پایتخت بعدی تهران خواهد بود."

خبرنگار ما گفت: "ببین می‌باس همون اول مثل سگ می‌زدمت تا مثل آدم حرف بزنی! مگه الان پایتخت تهران نیست؟"

مسئول مربوط شده پاسخ داد: "بعد از مطالعات کارشناسی گسترده، متوجه شدیم که برخلاف تصور ما، پایتخت ایران اصلا تهران نبوده... بلکه شهر اصفهان بوده، لذا مقرر کردیم برای حل فصل مشکلات موجود، پایتخت از اصفهان به تهران منتقل شود و به این شکل، اصلا صورت جلسه پاک می‌شود و از فردا صبح ساعت ۸، همهٔ مشکلات به کلی منتفی خواهد شد."

خبرنگار ما در پایان او را صدا زد: "واستا بچه *** چرا در می‌ری؟ واستا جرت بدم!"

البته شایان گفتن است که وضع مالی ناگوار خبرگزاری و ضرورت‌های دیگر سبب شده که از عده‌ای لات خیابانی با مدرک حداکثر ییم راهنمایی، به عنوان خبرنگار استفاده کنیم و مطمئن باشید، برای اصلاحات ادبیات گفتاری ایشان، تلاش‌های مذبوحانه‌ای انجام خواهد شد. ببشقین ترا خدا!

آمریکا: بازگشت تحریم‌های ایران نیازی به اجماع شورای امنیت ندارد، کافیه من بگم تحریم!

نمایندهٔ آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد: کی گفته که اعضای شورای امنیت باید اجماع کنند تا تحریم‌ها برگرده، آمریکا وقتی می‌گم تحریم... چی؟ یعنی تحریم!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، کلی کرافت، با لباس چرمی چسبان و کلاه کابوی، در حالی که سیگار برگی را پک می‌زد و زنجیری هم دور انگشت می‌چرخاند، بر این سخن تاکید کرد. نمایندهٔ روسیه در پاسخ به این سخنان، ضمن رد این سخنان، خطاب به نمایندهٔ آمریکا گفت: "بهتره وقتمون را با این سخنان نگیریم، امشب وقت داری!؟"

کلی کرافت، در پی نیکی هیلی، به سبب سوابق شغلی درخشانش در کاباره تاج محل متعلق به دونالد ترامپ، به سمت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل انتخاب شده است.



هر ماه با:

دکتر الاغ خرنژاد

دکتـر الاغ خرنـژاد، دستمایه‌ای است کـه لحن انتقـادی بسـیار تلخـی دارد. از یـک سـو، نگاهـی گزنـده، بـه «ملایـان مکتـب نرفتـه‌ای» دارد کـه در کسـوت کارشـناس حوزه‌هـای مختلـف، در هـر زمینـه‌ای اظهارنظـر می‌کننـد و رادیـو و تلویزیـون را پـر کرده‌انـد و از سـوی دیگـر «اشـرف مخلوقـات بـودن» انسـان را بـه سـخره می‌گیـرد. انسـانی کـه بازیچـۀ افـکار و عقایـد مختلـف اسـت و بـه راحتـی فریـب می‌خـورد. دکتـر الاغ خرنـژاد، موجـود فرزانـه و متفکـری اسـت کـه تنهـا گناهـش الاغ بـودن اسـت. هرچنـد بهتـر از خیلـی از آدم‌هـا می فهمـد.



– بـا سـلام بـه شـما خواننـدگان ارجمنـد و گرامـی سـتون گفتگـو بـا اسـتاد مسـلم، جنـاب دکتـر الاغ خرنـژاد... أسـتاد! بـرای چـی داریـن می‌خندیـن..؟

• چقدر شما آدم‌ها بامزه‌اید!

– رو چه حساب..؟

• حساب سرانگشتی! آخه چقد شما آدمین؟ چقدر؟

– منظورتون همون چقدر خرین خودمونه، نه!؟

• چقـدر خریـن؟ مـنِ خـر، کـی مـی‌رم دو تـا کشـور را کـه از نزدیـک بـه سـی سـال پیـش، غـلام زرخریـد خـودم هسـتن، وادار می‌کنـم کـه بیـان و بـا مـن موافقتنامـۀ شناسـایی ببنـدن و هـم حیثیـت آن‌هـا را بفرسـتم رو هـوا و هـم دشـمنم را کـه تحـت فشـار شـدیده، کمـک کنـم کـه بتونـه خـودش را بـه شـکلی توجیـه کنـه؟

– راسـتش خـر کـه ندیـدم، امـا اینـی کـه گفتیـن، همیـن چنـد روز پیـش، بـه دسـت نتانیاهـوی خـر اتفـاق افتـاد...

• یـک بـار دیگـه بگـو خـر تـا بـا جفتـک بـرم تـو دندونات...باز میگـه خـر، مرتیکـه آدم..!

– ببخشین استاد، همون آدم درسته!

• البتـه کـه درسـته! آخـه بگـو، آدم بی‌عقـل، ایـن همـه هزینـه کردیـن تـا ایـران را بدنـام کنیـن، بعـد بـرای اهـداف انتخاباتـی، کاری می‌کنیـن کـه ایـران ایـن همـه خـوش نـام بشـه و طـرف مقابـل در موضـع ضعـف قـرار بگیـره؟

– خـب اون دو کشـور هـم دوسـت داشـتن. مگـه ندیدیـن کـه چقـدر از نتانیاهـو و ترامـپ تشـکر کـردن...

• اگـه منظـورت تشـکر بحرینـه کـه اون بدبخـت از ایـن کـه بعـد از اون همـه سـگ دو کـردن در راه اهدافشـون، حـالا اقـلا بـه نوعـی بـه رسـمیت شـناخته می‌شـه، خـوش حالـه... در واقـع ایـن دولـت بحرینـه کـه بـه رسـمیت شـناخته شـده، نـه اسـرائیل...

– وزیر امور خارجۀ امارات ...

• اون کـه از همـه آدم‌تـر بـود. بدبخـت نمی‌دونسـت کجـای برگـه را بایـد امضـا کنـه. سـوتی داد راس تیـم ملـی... بعـد هـم بـرای یـه عالمـه چیـز از اسـرائیل و آمریـکا تشـکر کـرد و بـرای خالـی نبـودن عریضـه، تشـکر کـرد کـه از ایـن کـه اسـرائیل از ادغـام بخش‌هایـی از کرانـۀ باختـری خـودداری می‌کنـه...

– اون هـم کـه بعـدش اعـلام شـد...

• بعـدش!؟ قبلـش چنـد بـار همیـن ننـه مـرده، نتانیاهـو اعـلام کـرد کـه بی‌خـود امضـا نکنیـن و بعـد بگیـن چـرا ادغـام کردیـن، هـا!؟ تصمیـم مـا بـرای ادغـام سرجاشـه...

– نه! منظورم حرف‌های سفیر آمریکا در اسرائیله..!

• اونـو می‌گـی!؟ اونـو می‌دونـی و بـاز بـه هـر کـی بی‌عقـل و نابخـرده، می‌گـی خـر!؟

– نه والله! دیگه نمی‌گم! عین شما دارم می‌گم آدم!

• آفریـن کـه یـاد گرفتـی! یـارو سـفیر آمریـکا در اسـرائیله، بعـد، وقتـی می‌بینـه جـواب وزیـر امـور خارجـۀ امـارات را کسـی نمی‌ده، خـودش رگ غیرتـش بیـرون می‌زنـه و اعـلام می‌کنـه: تصمیـم بـرای ادغـام کرانـۀ باختـری سـر جاشـه! مبـادا فکـر و خیـال دیگـه‌ای بکنیـن...

– امـا در هـر صـورت اسـرائیل اومـده یـک قدمـی ایـران و می‌خـواد در بحریـن و امـارات پایـگاه بسـازه...

• عجـب! اسـرائیل خـودش تنهایـی می‌خـواد ایـن کار را بکنـه، یـا کـس دیگـه‌ای هـم می‌خـواد کمکـش کنـه...

– نه! تنهایی که نه! آمریکا کمکش می‌کنه...

• مگـه آمریـکا در هـر دو کشـور، پـادگان نداره؟ تـازه در کویـت و قطـر و عمـان و عربسـتان..!؟

– خب چرا! تو همشون داره!

• تـو همشـون داره؟ بعـد اسـرائیل، تمـام ایـن مـدت صبـر کـرد تـا اول بـا بحریـن و امـارات قرارداد ببنـده و بعـد بـره اون جـا پایـگاه بزنـه؟

– خب نه! قبلش هم می‌تونست!

• قبلـش هـم می‌تونسـت؟ وقتـی خـودش اعـلام می‌کنـه کـه اقـلا ٢٦ سـاله کـه بـا حاکمـان امـارات متحـدۀ عربـی تمـاس و رابطـه داره، چـه جـور رابطـه‌ای بـوده؟ رابطـۀ جنسـی!؟

– نه بابا! فکر نکنم جنسی بوده...

• چقـدر بـا رابطـۀ جنسـی فـرق داره مگـه!؟ بحریـن کلا سـه متـر مساحتشـه کـه یـک مترش پـادگان آمریکاسـت... از ایـن پـادگان هـم بخشـی در اختیـار اسـرائیل بـوده تـا جاسوسـی کنـه یـا هـر غلـط دیگـه!

– ای خاک بر سرش!

• دیدی رابطۀ خاک بر سری بود؟

– پـس اتفـاق خاصـی نیافتـاده... همونـی کـه بـود، هنـوز هـم هسـت.

• نـه خیـر! همونـی کـه بـود، نیسـت! چـون یـک رابطـۀ پنهانـی پشـت درهـای بسـته، تبدیـل شـده بـه یـک رابطـۀ آشـکار پـر جنجـال..!

– یعنی لو رفتن رابطۀ جنسی پنهانی...

• بی‌تربیت!

– خب شما هم همین مثال را زدین!

• مـن بزنـم، تـو کـه نبایـد تکـرار کنـی. امـا سـرجمع، همینـه کـه گفتـی.

– فرض می‌گیریم همینه که شما گفتی...

• همینه!

– خـب باشـه، بنـده هـم کـه نگفتـم همیـن نیسـت. امـا حالادر عمـل چـی عـوض شـده؟

• اعلان جنگ ضد ایران!

– نه بابا!

• چـرا بابـا! مگـه ایـران تهدیـد نکـرد کـه از ایـن پـس، ایـن دو کشـور هـم هـدف حمـلات مـا خواهنـد بـود؟ یعنـی ایـن دو کشـور بـه مـا اعـلان جنگ دادنـد و مـا هـم مقابلـه بـه مثـل می‌کنیـم. تـا حـالا ایـران سـعی می‌کـرد کـه بـه خاطـر منافعـش خویشـتن‌دار باشـه، حـالا اگـه هـم بخـواد نمی‌تونـه.

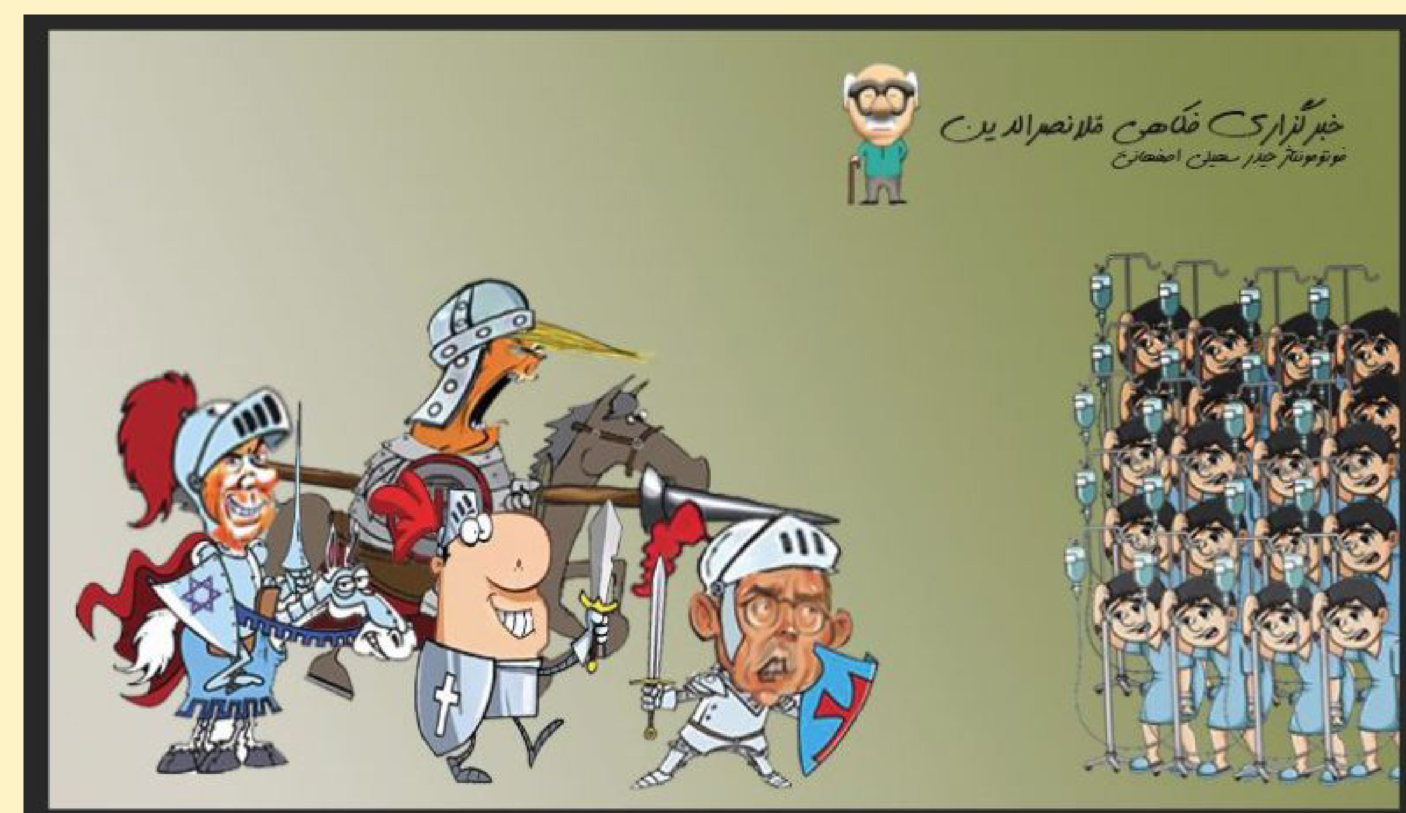
– چون رسما تهدید شده...

• آفرین! حالا شدی یک خر فهمیده!

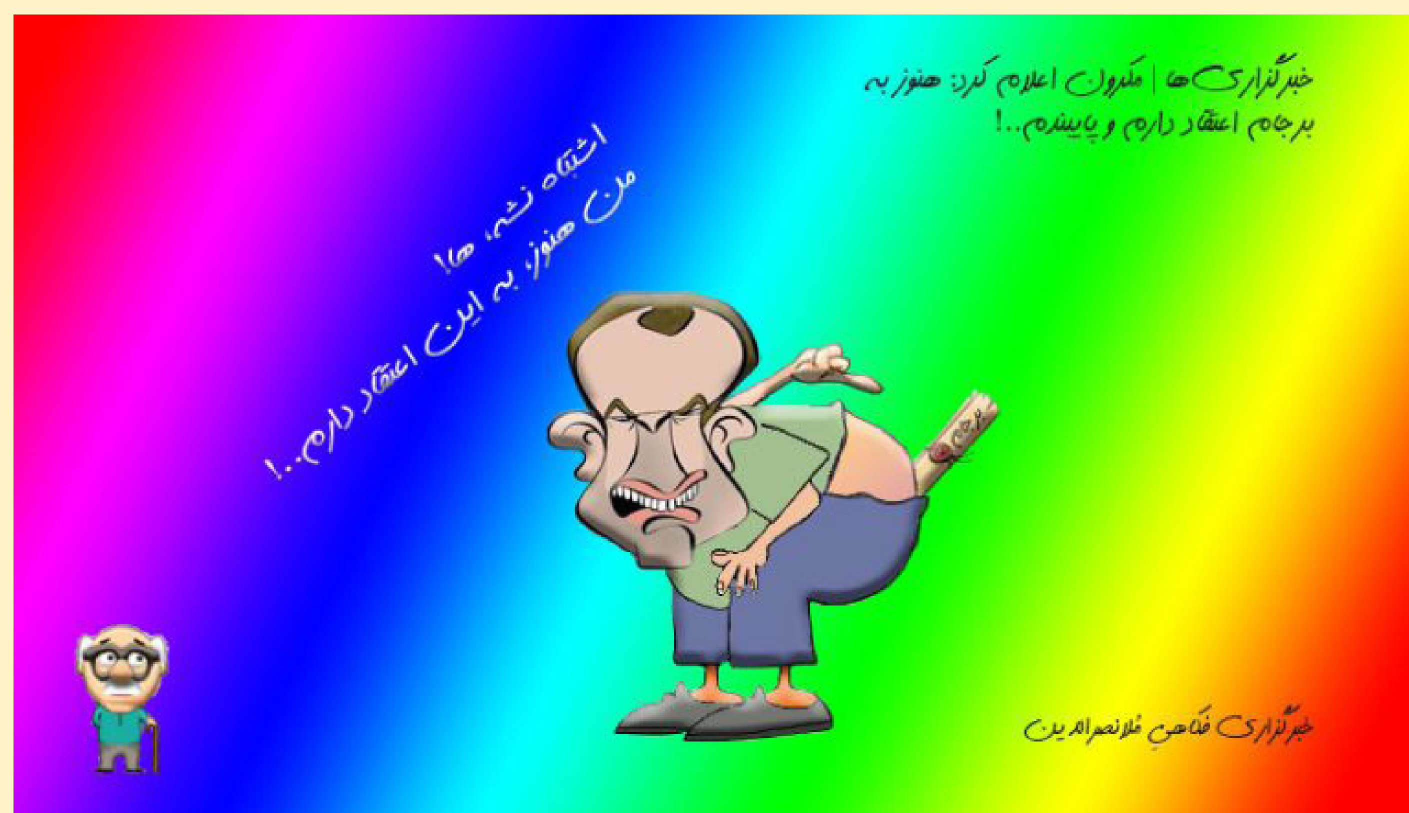
– خیلـی ممنـون اسـتاد، از ایـن لطفـی کـه بـه مـن داشـتید. گفتگـوی مـا هـم همیـن جـا تمـام می‌شـود. هـم شـما و هـم خواننـدگان گرامـی را تـا شـمارۀ بعـدی، بـه خـدای بـزرگ می‌سـپارم. روز و روزگار برشـما خـوش بـاد!




پمپئو: ایران در انتخابات آمریکا دخالت می کند!
سخنگوی وزارت خارجه: پمپئو در آینه نگاه کند!
آینه..!
آینه..!
دخالت کن ها!
mn agency cartoon©2020
mn-agency.ir
Haidar Soheili Esfahani


خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین
فوتومونتاژ حیدر سهیلی اصفهانی


PISS
mn agency cartoon©2020
mn-agency.ir
Haidar Soheili Esfahani


خبرگزاری ها | مکرون اعلام کرد: هنوز به
برجام اعتقاد دارم و پایبندم..!
اشتباه نشه، ها!
من هنوز، به این اعتقاد دارم..!
خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

گپ و گفت

شنیدی؟

- شنیدی رئیس‌جمهوری به ملت خبر خوش داده؟
• تو این هشت سال، یک دو جین خبر خوش داشته، کدومش را می‌گی؟
- همین شنبه، یکشنبه‌ایه!
• نه من اون پنج‌شنبه‌ایه یادمه!
- کدوم پنج شنبه‌ایه؟
• همون که گفت: من هم پنج‌نشبه شنیدم..!
- اون که خبر خوش نبود که ...
• چرا دیگه، همین که سرش تو کار خودش باشه، کاری به ما نداشته باشه، خبر خوشیه!
- نع! این یکی را که می‌گم، مال همین شنبه، یکشنبه قبلی بود.
• خب! شاید دربارهٔ بازار ارز و طلاست. خیلی زده بالا!
- من هم همین خیال را کردم... بی‌چاره خود بازار هم کپ کرده بود.
• کپ کرده بود، یعنی چی؟
- هیچی ترسید. خیال کرد مثل ماجرای ۵۹۸ شده، حاضر به خرید و فروش نشد.
• خب پس! شکر خدا مثل این که رئیس‌جمهوری داره کاری میکنه...
- نع بابا! تازه مشخص شد که هنوز خبر از وضع بازار طلا و ارز نداره!
• راست گفتی! چون پنج شنبه نشده بود که ... هنوز شنبه یکشنبه بود... جونم را درآوردی بلاخره چی بود؟
- هیچی به ملت تبریک گفت که آمریکا خواست میکانیسم ماشه را فعال کنه، اما نتونست!
• چی چی ماشه رو؟
- میکانیسم ماشه رو!
• میکانیسم دیگه چی‌چیه؟
- هیچی بابا! آمریکا می‌خواست تحریم‌ها را برگردونه که...
• لابد نتونست؟
- نه این که نتونست. یعنی می‌خواست تحریم‌هایی که حالا هم داریم...
• خب!
- یه کاری بکنه که خود شورای امنیت ضد ما تحمیل کنه.
• خب مگه فرقی داره؟
- به حال من و تو که نع!
• زکی! پس واسه چی به من و تو تبریک می گفت ؟
- خب کلا باید به من و تو تبریک گفت... مثلا دوران جنگ وقتی در جنگ می‌مردیم هم به ما تبریک می‌گفتن.
• حالا این یعنی طنزه!؟
- چرا نباشه؟ ما که کلا خنده و گریمون یکیه!



کارتون ایرانی



مهدی عزیزی، کارتونیست ایرانی


العرب
چاپ دوحه- قطر
هیات بحرینی
بهبود روابط
تل آویو
آرمان فلسطین
قدس


اکونومیست
آب‌های ایرلند
به گمونم مذاکرات برگزیت
دوباره شروع شده!


جدال بر سر کاخ سفید
نشریه اکونومیست



نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد. در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر سه عضو اتحادیهٔ اروپا به شورای امنیت نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

نامهٔ سه‌عضو اتحادیهٔ اروپا به شورای امنیت

سلام بر کرونا و درس‌هایی که از آن آموختیم و با سلام خدمت شما اعضای شورای امنیت و با امید رهایی از بیماری کووید نونزده که همهٔ ما مثل سگ از آن می‌ترسیم. به قول عرب‌ها...

و اما بعد!

مدتی است که بنیامین نتانیاهو و آن دونالد ترامپ، از خدا بی‌خبر، نه فقط ما، بلکه همهٔ این کرهٔ خاکی را به دنبلان خودشان بسته‌اند و ما بدون تعارف به لوزهٔ سوم آن‌ها تبدیل شده‌ایم. آقا اصلا تعارف چرا، این همه حرف مودبانه نوشتیم تا مثلا ننویسیم همهٔ ما را به تخمشون بستن. راست و مسیحیش می‌شه همین دیگه!

چند سال آزگار با ایرانی‌های زبون نفهم نشستیم به مذاکره...

اولش که با یک عده تیپ غربی و درس خوندهٔ اروپا و آمریکا نشستیم به مذاکره. کلی هم با هم حال کردیم. وسط کار، متلک آمریکایی به هیات آمریکایی می‌انداختند که ما اروپایی‌ها نمی‌فهمیدیم، اما آمریکایی‌ها حال می‌کردند.

یکی، یکی ما را می‌کشیدن کنار برامون جوک‌های ایرانی ناف به پایین تعریف می‌کردند. اصلا کار رسید به جایی که تو خونه تنبیه می‌شدیم و باید شب بدون شام می‌خوابیدیم. چون باعث بدآموزی بچه‌ها می‌شدیم.

بعد یهوکی همه چی عوض شد.

یه مشت زامبی اومدن مذاکره که اولش دربارهٔ دیپلماسی پیامبر اسلام حرف می‌زدند و نیم ساعت اول کار، برامون جمله‌های عربی مقدس می‌خوندند. جوری که ما خیال کردیم، این‌ها کاری به برجام ندارن و اومدن ما را مسلمون کنن. سر همین هم قاط زدیم و مذاکرات را به هم زدیم.

تا این که بلاخره، در ایران، انتخاباتی شد و اون زامبی‌ها رفتند و دوباره، همون خوشگل بلاها برگشتن که درخواست‌های قبلی خودشون را با درخواست‌های جدیدی که در اون هشت سال قبل جمع شده بود، همه را روی سرمون هوار کردند. برامون جوک می‌گفتن با صدای بلند می‌خندیدند، اما بعد اشکمون را در می‌آوردن.

اعضای محترم شورای امنیت، کلا می‌فهمین ما با چه بدبختی مذاکره می‌کردیم؟ اصلا براتون قابل درک هست یا نع!؟

حالا فکرش را بکنین که از اون طرف، یه مشت اسرائیلی با یه مشت عرب و یک مشت آمریکایی نون به نرخ روز خور، با هم اتحادیه تشکیل دادند، عینهو اتحادیهٔ زامبی‌های ایرانی که هشت سال تمام ما را مسخرهٔ خودشون کرده بودند. شد روز از نو، روزی از نو!

از این طرف، مذاکره می‌کردیم و نظر ایرانی‌های ژیگول را جلب می‌کردیم، از اون طرف، این‌ها پول شاباش می‌کردند و کل توافق را به هم می‌زدند. ایرانی‌ها به ما غر می‌زدند و این‌ها هم گیر می‌دادن که باید توافق به هم بخوره. یکی، دو بار هم مذاکرات را کلا به هم زدن.



تا این که بلاخره، به سیم آخر زدیم و برجام منعقد شد. از خوش‌حالی کم بود گریه کنیم. حالا می‌تونستیم برگردیم خونه‌هامون و بگیریم بخوابیم. اما زهی خیال باطل! نگو تازه اول ماجراست.

چشم نتانیاهو و ترامپ، به پول عرب‌ها خورده بود و عرب‌ها حاضر بودند شرفشون را هم بدن فقط برای این که برجام شکست بخوره... یکی مثل نتانیاهو که شرفش پول بود و یکی مثل دونالد ترامپ که اصلا نمی‌دونست شرف چیه، فقط پول را می‌شناخت، در همچی وضعی چی کار می‌کنند؟

این همون اتفاقی بود که افتاد!

حالا چند ساله آزگاره که ما اصلا نمی‌دونیم راحتی یعنی چه!؟ خواب یعنی چه! می‌فهمین چی می‌گیم؟ اصلا حالیتون هست؟

تحریم‌های ایران را یک طرفی برگردوندند، اون هم دقیقا کی؟ دقیقا وقتی دستمال به گردن زده بودیم. چاقو و چنگال دست گرفته بودیم و آماده می‌شدیم، اقتصاد ایران را یک لقمه کنیم... آخ! یک غذای گوشت لذیذ واسه اقتصادهای ترکیدهٔ ما؛ بزرگترین مخزن هیدروکربن جهان! یکی از بزرگترین معادن مس دنیا! بازار آخ بازار! بازار دست نخوردهٔ جیگر؛ یک دست! با کلی نیروی کار مفت تحصیل کرده!... اون وقت، چی شد؟ یه مشت کارمند دو پنسی یا به قول ایرانی‌ها دوزاری... از اون‌هایی که تمام عمرشون آرزوی مدیریت روابط عمومی یک ادارهٔ درجه سوم داشتند، همهٔ این فرصت‌ها را آتیش زدند. پودر شد رفت هوا! به همین راحتی!

کی؟ جان بولتون! قیافه‌اش به جهنم، حتی اسمش مسخره است. یا اون ماهی بادکنکی مسخره، اسمش چی بود؟ پمپئو... پم پئو... فکر کن آدم چقدر باید مضحک باشه که اسمش را بذارن پمپئو! برایان هوک... فقط یک نفر ممکنه اسمش هوک باشه و اون، همون کاپیتان مسخرهٔ فیلم‌های کارتونیه که ما در بچگی به مسخره‌بازی‌ها و کنف شدن‌هاش می‌خندیدیم.

یه مشت موجود مسخره، تحت فرماندهی یکی از جوک‌ترین و مسخره‌ترین موجودات خدا، یعنی دونالد ترامپ که مرتیکه مسخره، هنوز نمی‌دونه رئیس‌جمهوری ایالات متحده یعنی چی؟ دو روز مونده به پایان دوره‌اش، هنوز دست به سینه، با ادب تمام می‌ایسته در برابر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر یک کشور چهار متری! مسخره‌ترین موجودی که تاریخ اسرائیل از زمان حضرت داوود تا حالا به خودش دیده... ایستاده جلوی یه همچی دلقکی، دست به سینه، عین یک نوکر! انگار نه انگار که نیمی از مردم یک کشور به بزرگی آمریکا، بهش رای دادن. هنوز مثل مدیرای فاحشه‌خونه‌اش رفتار می‌کنه...

اعضای محترم شورای امنیت، حالا این‌ها بعد از چهار سال مسخره‌بازی در حد کمدی کلاسیک، می‌خوان تحریم‌های تسلیحاتی ایران را تمدید کنند و بعد اعلام می‌کنند که میکانیسم ماشه را خودشون یک طرفه فعال کردن. وای که از شدت حرص، دلمون می‌خواد این دلقک‌های سیرک را با دستای خودمون تیکه تیکه کنیم. یکی نیست بهشون بگه آخه مسخره‌بازی هم حد و مرز داره!

آخه یکی نیست بهشون بگه آدم‌های کودن! مگه ایران اصلا می‌تونه از ما اسلحه بخره؟ شماها که با دست خودتون این بازار طلایی را روی سینی به روسیه تقدیم کردین، حالا دیگه چتونه؟ ها! چتونه!؟

فهمیدن تر زدن به اول و آخر اقتصادهامون، حالا دارن همش می‌زنن! پیش خودشون دارن کاری می‌کنن که ایران نتونه از آمریکا و اروپا اسلحه بخره یا این که آمریکا و اروپا از ایران اسلحه بخرن!

متوجه شدین؟ ترا خدا متوجه شدین؟ حالا دیگه آلمان نمی‌تونه از ایران اسلحه بخره! یا ایران نمی‌تونه از آمریکا اف 35 بخره!

حالا هر سه نفرمون که داریم این نامه را می‌نویسیم، داریم گریه می‌کنیم. واقعا ما گناه نداریم!؟ ترا خدا به ما رحم کنین!

شما را به خدا! شما را به مسیح اگه مسیحی هستین. به همون موسی و هارون و چند تای دیگه، اگه یهودی هستین! ما را از شر این دلقک‌ها نجات بدین. عاجزانه ازتون درخواست می‌کنیم... ما خیلی خسته‌ایم. ما دیگه فقط می‌خوایم گریه کنیم. فقط این‌ها را دور کنین. یه جای خیلی خیلی دور... چه می‌دونیم یه طویله‌ای جایی پیدا کنین و این‌ها را ببندین.

سه موجود بی‌چارهٔ خدا

وزرای امور خارجهٔ آلمان، فرانسه و این نکبت که تازه از اتحادیه جدا شده..!

توافق طرف‌های درگیر: سرمایه‌گذاری در جنگ داخلی را افزایش می دهیم



دولت لیبی و گروه‌های مخالف، به توافق رسیدند که هرکدام با استخراج نفت در مناطق تحت کنترلشان، شرایط را برای تامین بودجهٔ لازم واسهٔ جنگ داخلی هموار سازند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، خلیفه حفتر، ژنرال بازنشسته و رئیس مهمترین گروه مخالف دولت طرابلس، ضمن اعلام این خبر تاکید کرد: "جنگ داخلی پول می‌خواد! از کجا بیاریم همدیگه را جر بدیم؟"

یکی از مقام‌های دولت مرکزی، ضمن حمایت از پیشنهاد خلیفه حفتر خاطرنشان کرد:

"اصلا ما برای چی اومدیم این جا و کلی کشته می‌دیم و از این جور کارا...ها؟ می‌خوایم جیب‌هامونو پر کنیم. همه اومدیم بخوریم. اگه پول تموم بشه، بهتره، دعوا را تموم کنیم و بذاریم مردم خودشون یکی را انتخاب کنن. هر خری باشه. خودش می‌دونه و خزانهٔ خالی..! هرچند حفتر، دشمن ماست، اما هدف نهایی ما یکیه و به نظر من باید، این پیشنهادش مورد استقبال قرار بگیره."

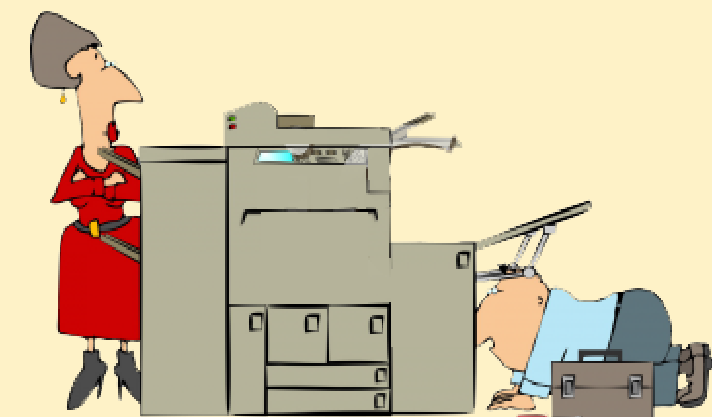
نمایندهٔ ناتو در پروژهٔ جنگ لیبی از این که بلاخره دو طرف درگیر در جنگ داخلی لیبی دربارهٔ چیزی به توافق رسیدند، ابراز خوش‌حالی کرد و گفت:

"مدتیه که طرف‌های درگیر، خرید تسلیحاتی از ما را به حداقل رسوندن و ما به جای سود داریم ضرر می‌دیم. مهمتر این که نفت لیبی در شرایط فعلی خیلی ارزون‌تر تموم می‌شه و این برای دلال‌ها و قاچاقچی‌های وابسته به ما خیلی سودآوره! ما این پیشنهاد را به خلیفه کفتر یا به قول خودش حفتر دادیم تا حساب فروش و صادرات نفت را از جنگ داخلی جدا کنند. یعنی حتی اگه همشون همدیگه را کشتن، کاری به چاه‌ها یا لوله‌های نفت یا نفتکش‌ها نداشته باشن. امیدوارم که این توافق تاریخی که بینشون حاصل شد، منجر به اوج‌گیری جنگ داخلی و آغاز دور دوم جنگ داخلی لیبی بشه!"

دستگاه تحریم آمریکا مستقر در کاخ سفید خراب شده است

دستگاه تحریم کاخ سفید، خراب شده است و بی‌حساب تحریم می‌کند. به طوری که تحریم‌ها را ضد کسانی اعمال کرده که آمریکایی‌ها، خودشان، آن‌ها را نمی‌شناسند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، اخیرا لیستی از این دستگاه بیرون رفته که اغلب آن‌ها معلوم نیست که آیا وجود خارجی دارند یا نه! دو مورد که



شناسایی شدند، در قرن میلادی گذشته مرده‌اند و چند نفرشان اصلا آدم نیستند.

یکی از مسیولان کاخ سفید که حتی ما چهرهٔ او را ندیدم (بعد می‌گه نمی‌باس اسمم جایی برده بشه!)

همین یارو می‌گه (ببخشید!) ایشان به خبرنگار ما گفت: " تا حالا دو، سه دفعه اسم ترامپ از دستگاه زده بیرون، ما خودمون دستی پاکش کردیم. مثلا یکبار هم جان بولتون را تحریم کرد. آن به جهنم! تازه لقب زشت هم روی او گذاشته بود و نوشته بود بچهٔ ... خبرنگار ما گفت: "نمی‌خواد بگی! بعدا یواشکی به خودم بگو، دو تایی بخندیم!"

مسیول مربوطه گفت: باشه!"

این مسیول هشدار داد: "مواظب زن و بچه و ناموستون باشین. اگر یهوکی دیدین تحریم شدن، عصبانی نشین، این دستگاه خیلی عوضی شده و دری وری زیاد می‌گه... تحریم به جهنم! بعدا از اسم هر کدوم هم فوش ناموس می‌ده.... خدا عاقبتمون را به خیر کنه! نچ! نچ! نچ!"

خبرنگار ما در پایان گفت: "خب دیگه تموم شد. گفتی دربارهٔ جان بولتون چی نوشته بود..؟"

شایان گفتن است: "بقیه‌اش دیگه به شما ربطی نداره!"

مصر: مردم سیسی را مرسی اشتباه گرفته‌اند!

دولت قاهره اعلام کرد: تظاهرات گستردهٔ مردم در مصر ضد سیسی، رئیس‌جمهوری این کشور، در اصل سوء تفاهم است. مردم سیسی را با مرسی اشتباه گرفته‌اند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، از هفتهٔ گذشته، مردم به خیابان‌ها ریختند و ضد سیسی شعار می‌دهند. سخنگوی دولت مصر، پس از سکوتی نیمه تا تمام سنگین، ناگهان به سخن درآمد که متاسفانه کل این تظاهرات سوءتفاهم بزرگی بوده است. او در این باره گفت:

"راستش اولش تعجب کردیم. مگه می‌شه، ضد سیسی که اصلا نجات بخش مصره تظاهرات بشه؟ بعدش دیدیم که بعضی از تظاهرکنندگان به مرسی فوش می‌دن و بعضی دیگه به سیسی! رفتیم پرسیدیم که شماها چتونه؟ گفتن ما این رئیس‌جمهوری نکبت را نمی‌خوایم. بعدش ما باز هم تعجب بیشتر کردیم. چون سیسی که نکبت نیست، سیسی جیگره! بعد که عکس سیسی را نشونشون دادیم، گفتن: نع! ما این را نمی‌گیم. وقتی عکس مرسی را نشونشون دادیم، گفتن ها همینه! بهشون اطمینان دادیم که این بدبخت دیگه مرده و خیالشون جمع شد. ان شالله تظاهرات هم تموم می‌شه."

او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما دربارهٔ علت ادامهٔ تظاهرات، پاسخ داد: "این‌ها تظاهرات نمی‌کنن. ما به فلافلی‌ها پول دادیم و گفتیم: همه، فلافل مهمون ما... ملت واستادن تو خیابون دارن فلافل با خیار شور و گوجهٔ فراوون می‌زنن به بدن..."

خبرنگار ما پاسخ داد:" ها..!؟"

فرانسه خطاب به حریری: خیلی شجاعی، در رو!

دولت فرانسه، پیشنهاد سعد الحریری نخست وزیر قبلی لبنان را شجاعانه خواند و گفت: خیلی هم خوب!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، وزارت امور خارجهٔ فرانسه، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: "پیشنهاد سعد الحریری خیلی هم خوب و شجاعانه است و هر چی زودتر باید عملی بشه."

خبرنگار ما از یارو (اسمش را بلد نیستیم) پرسید: "چی میچی شده؟!"

او پاسخ داد: "سعد الحریری با ما تماس گرفت و گفت: اوضاع خیلی خیطه! اجازه می‌دین، در برم؟ ما هم گفتیم در رو!"

خبرنگار ما گیر داد: "حالا این بیانیه می‌خواست؟!"

یارو گفت: " بله می‌خواست!"



نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MOLLANASRODDIN SATIRE NEWS AGANCY

واقعیت خنده‌دار است!

http://msn-agancy.ir

www.mollanasroddin-magazine.ir

http://mollanasroddin-satire-news-agancy.ir

خوشگل الحکایات



به روزگاری دور، در ازمنه‌ای که نمی‌شناخت جز زبان زور، در کتابچهٔ درس خلایق، عکس پسران گذاشتی و عکس دختران را برداشتی تا مگر ناموس ملوس، در برابر نامحرمان چشم دریدهٔ هیز مسلک نباشد که

بیت

گر تو از ناموس دانی چیزکی
پس چرا عکسش گذاری بر کتاب
ورندانی این سخن از کودکی
پس بکپ عامو، برو بگیر بخواب

چنان شد که با صلاحدید علمای عظام و همت ابنای امت خام، عکس فنج‌های اناس را از جلد کتب مکتبیه برداشتندی تا ناموس خلق پاک و مطهر بماند و هر بار چشمان هیز ناپاک چشم‌چرانان بر جمالشان نیفتد.

بیت

خشم، امت را گرفت و شد به پا
نهضتی بالا بلند از هر کجا

بر کتاب منحرف بس تاختند/ عکس دختر از برش برداشتند

لیکن دشمنان دین و اصحاب فتنه‌های چنان و چنین، از این عمل صالح و رای مباح، به خشم درآمدی و اسباب فتنهٔ خبیثه را ضد اصحاب نفس زکیه بپا کردندی!

بیت

گفتن این آتش به پا کرده چنان/
تیغ نفرین بر جماعت می‌بریم
یا بساط هیزی ما پس دهند
یا بساط روزی ایشان دریم

آن چنان فتنه برپا کردندی تا دوستور آموزش دوستور دادی که از سال پس، عکس دختران فنج را بر کتاب مکاتب باز گذارند. معاذ الله از این فتنهٔ سیاه که از اجرای شریعت ممانعت و دل پاک مؤمنان را مکدر کردی.



Mollanasroddin Satire Magazine 23



Army Medical Examiner: "At last a perfect soldier!"

Robert Minor: 1916

Reuse: Haidar Sohaili Esfahani